

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لوموند دیپلماتیک

ابداع بیشتر برای بیشتر کشتن

نوشته JEAN-PAUL HÉBERT
نوشته Philippe REKACEWICZ

اکتوبر 2010

از تاریخ قرن بیستم چه در یادها خواهد ماند؟ لوموند دیپلماتیک به دور از قالب های معمولی که همگان می پسندند و می پذیرند، اطلسی «انتقادی»^۱ را منتشر ساخته که در آن بر رویدادهای وارونه نما و تحولات نهان داشته درنگ کرده است: از خودکامگی های «دنیای آزاد» گرفته تا شورش از یاد رفته کامرون، از انقلاب در صنعت حمل و نقل تا پایان اقتصادی که کشاورزی شیوه تولیدی مسلط آن بود. ستیزه هائی که نخست جنگ جهانی اول و دوم و سپس پایان جنگ سرد نقش خود را بر آنها برجای نهادند، به ضرب تغییرات سیاسی و انقلابات فن آوری تحول یافته اند. هنر جنگ به لطف هوشمندی آدمی راه تکامل پیموده، اما شمار قربانیان به آن اندازه کاهش نیافته است، برعکس...

قرن بیستم به رویهم حدود صد و چهل ستیزه به خود دید که دو ستیزه آن «جهانی» بودند و چهارده ستیزه دیگر هریک بیش از یک میلیون تن کشته برجای نهادند. تا پیش از سال ۱۹۳۹ می توان بیست و پنج و از سال ۱۹۴۵ به این سو، صد و پانزده ستیزه را برشمرد. دست کم تا پایان جنگ سرد، رفته رفته آهنگ وقوع ستیزه ها همگام با پیشرفت هائی شتاب گرفت که در تکمیل تسلیحات جدید و بیش از پیش پیچیده و هزینه بردار پدید آمد. پس از سال ۱۹۹۱ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ستیزه های میان دولت ها بیشتر و بیشتر جاي خود را به جنگ های داخلی سپردند.

در جنگ اول جهانی ویژگی های تازه ای روی نمودند که در دهه هائی که در پی آمد استحکام و استواری یافتند. تولید تسلیحات، سرشت صنعتی انبوه سازی به خود گرفت. بدینگونه میان سال های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ فرانسه ۵۱ هزار و ۷۰۰ هواپیما ساخت و ۱/۸ میلیون نفر را در تولید فرآوردهائی به کارگماشت که در جنگ ها به کار می رفتند. ورود به بُعد سوم، هم در هوا با هواپیماها و هم در زیر آب با زیردریائی ها نیز در همین مقطع پیش آمد. مکانیکی کردن جنگ، از طریق ارابه ها و تانک ها، انقلابی در پیاده نظام پدید آورد. مخابرات، که برای هدف

گیری و هدایت تیراندازی رسته های توپخانه، فنی اساسی بود دیگر به مدد چاپار و شیپور به انجام نمی رسید بلکه از آن پس تلفن حامل و بردار آن شد (در پایان سال ۱۹۱۸ سی هزار دستگاه از این وسیله ارتباطی در کار بود).

رویارویی شرق و غرب در گذار جنگ های آزادیبخش ملی

مسابقه گزاف جوئی (کالیبر، وزن، فواصل شلیک پی در پی تیربارها) و تولید سلاح های «جدید» (شیمیائی) نیز مشخصه این دوران بود. همه این ویژگی ها را در ستیزه فراگیری که توده های انبوهی درگیر آن شدند، یعنی جنگ جهانی دوم، به اوج رسانیدند.

شکست روس از ژاپن در سال ۱۹۰۵ نخستین شکست «انسان سفید پوست» به شمار آمد و نخستین ترديدها درباره قدرت های سنتی را در برداشت. میان سال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۹، در جریان جنگ های مقاومت در برابر استعمار، شورشیان گاه فاتح نبردهائی بودند اما هرگز پیروزی کاملی به دست نمی آوردند (جنگ ریف [۱]). شدت و خشونت، شناسه جنگ های داخلی بود (روسیه، چین)، در حالی که جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹) پیش درآمد رویارویی سال های ۱۹۴۵-۱۹۳۹ شد.

سلاح شیمیائی نخستین بار در دوران جنگ جهانی اول به طرز انبوهی به کار رفت و همانوقت هم قربانیان آن غیرنظامیان بودند. کاربرد این سلاح، نخست به دست بریتانیائی ها در عراق یا ایتالیائی ها در لیبی، در طول جنگ های استعماری گسترش یافت. گرینکا (۲) فصل بمباران های هوائی به مقیاس گسترده بر فراز قاره کهن را گشود و این عمل به هنگام دومین ستیزه جهانی عمومیت یافت. این جنگ توسعه تسلیحات متعارف را به آستانه جدیدی کشاند.

آنگاه اختراع سلاح ها، تحولات در ستیزه ها را شتاب بخشید: ردیاب ها، نیروی محرک واکنشی هواپیمای ها [موتور جت]، موشک های ضد تانک، تپانچه های تیربار، تیربارهای سنگین، شعله افکن ها، بمب های آتشزا، بمب های ده تنی نفوذ کننده به اعماق زمین، نخستین جنگ افزار های هدایت شونده، موشک ها (V1, V2)، ردیاب های صوتی، تجهیزاتی برخوردار از پرتو ماوراء قرمز، سیستم های ردیاب الکترومکانیکی و غیره. مقیاس تولیدات صنعتی تسلیحات به ابعاد بازم گسترده تری دگرگونی یافت: آلمان، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هریک تقریباً صد هزار و ایالات متحده سیصد و بیست هزار فروند هواپیما ساختند. زنجیره های مونتاژ آمریکائی نیز دو میلیون کامیون و به همین تعداد جیب و دوپست و بیست هزار زرهپوش را برهم سوار کردند ... فرو ریختن انبوه بمب ها به روی شهر ها (لندن، درسد «Dresde» دامنه بی سابقه ای یافت. سرانجام، رها کردن دو بمب اتمی بر فراز ژاپن جهان را به دوران هسته ای و توازن وحشت کشاند.

از اینرو پس از جنگ جهانی دوم، سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو در سایه تهدید اتمی به میدان رویارویی با یکدیگر گام نهادند. واشنگتن و مسکو سی هزار کلاهک استراتژیک و بیست هزار کلاهک تاکتیکی گرد آوردند که بسیار بیش از آنی بود که برای نابودی چندین باره کره زمین لازم باشد. توازن وحشت اتمی ناگزیر راه را بر ستیزه ها در ناحیه اروپا که دو قدرت بزرگ را از یکدیگر جدا می ساخت بست، اما ستیزه ها را به نیابت از آندو به حومه و پیرامون، یعنی به آنچه جهان سوم می خواندند صادر کرد. در این دوران رویارویی عقیدتی با جنگ های آزادی بخش ملی، مشخصاً در هندو چین تمرکز یافت.

این ستیزه ها آنگاه قلمرو آزمایش جنگ افزارهای تازه و آئین [دکترین] کاربرد آنها شد: در الجزایر، فرانسه استفاده تاکتیکی از بالگردان ها و اصول جنگ «ضد-انقلابی» را به قالب نظریه ای درآورد، تا بدینگونه به مقابله با رزم آریان چینی یا ویتنامی جنگ «انقلابی» قد علم کند. در ویتنام، نیروی هوائی ایالات متحده برای نخستین بار بمب های «هوشمند» را (که برای دقت در هدف گیری هدایت می شدند) به کار برد و کاربرد سلاح های شیمیائی («ماده زرد» برای برگ زدائی از درختان [۳]) را به مقیاس گسترده ای سازمان داد. جنگ ژوئن ۱۹۶۷ در خاور میانه فصل نخستین اژدرهای ضد ناو را گشود.

تمرکز قوی هزینه های نظامی در ثروتمند ترین کشورها

پایان سیاست بازدارندگی دو قدرت بزرگ که با فروپاشی اتحاد شوروی همراه شد، دورانی از آشفتگی و بی‌نظمی را گشود: از آن پس ستیزه‌ها از هرگونه کنترلی به دور ماندند و جنگ‌های داخلی بیش از پیش جابگزین ستیزه‌های میان دولت‌ها شدند. به موازات آن، با جنگ خلیج [فارس (۱۹۹۱)] و «جنگ‌های خیرخواهانه» موشک‌های ضد موشک و موشک‌های قاره‌پیمای تکامل، و کاربرد مهماتی عمومی‌ت یافتند که برای هدف‌گیری دقیق هدایت می‌شدند؛ این همان «ضربه‌های جراحی وار» مشهور بود که با اینهمه غیر نظامیان از آن در امان نمی‌ماندند. عدم توازن نیروها، چه در صربستان (۱۹۹۹)، چه در افغانستان (۲۰۰۱) و یا عراق (۲۰۰۳)، چنان بود که هیچ‌گونه تردیدی در باره پایان کار آنگونه ستیزه‌ها بر جای نمی‌نهاد، گیریم که ارتش‌های پیروز لزوماً قادر نبودند که جستارهای خویش را عملی سازند و به مهار درآوردن «شکست خوردگان» را تضمین کنند.

خاور میانه به شیوه‌ای مداوم صحنه تجربه‌آموزی از فنون جنگ‌های شهری شد: سلاح‌های رعب‌آور علیه مردمی که جزو پیکارگران نبودند (بمب‌فشاری، خمپاره‌های مجهز به تیرک‌های خوشه‌ای، مهمات DIME [Dense Inert Metal Explosive]، و غیره)، استفاده از سپرهای انسانی، بولدرهای غول‌آسا، گذر از دیوار خانه‌ها، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برای مراقبت و ضربه زدن. حصر اجتماعات از طریق ماهواره، کنترل اطلاعات، قتل‌کسانی که عامداً هدف گرفته بودند.

این فنون تازه، ابزارهای ناگزیر جنگ‌هایی شدند که سپاهیان غربی در افغانستان یا عراق به راه انداختند، خصوصاً از آنرو که وسائل و تجهیزاتی و رای‌پیچیدگی که برای مقابله با ارتش سرخ اختراع کرده بودند، نشان دادند که در آن پهنه‌ها غالباً ناکارآمدند.

شورشیان در عوض فنون ساده و پیش‌پا افتاده اما مؤثری مانند بمب‌های دست‌ساز سرهم‌بندی شده‌ای (Improvised Explosive Device- IED) را به کار گرفتند که آنها را در کنار جاده‌ها زیر خاک پنهان می‌کردند و یا، البته، به سوءقصدی انتحاری متوسل می‌شدند. ایالات متحده هواپیماهای بدون سرنشین (Drone) ۴ و قتل‌های هدف‌گیری شده «تروریست‌ها» را بیش از پیش به خدمت گرفت، بی‌اعتنا به آنکه بیشتر وقت‌ها آنها هدف را اشتباهی می‌گیرند و غیرنظامیان را می‌کشند.

اما درباره قیمت سلاح‌ها هم بگوئیم که سر به آسمان می‌ساید. بدینسان قیمت فقط یک بمب افکن B-2 از بودجه سالانه نظامی صدو بیست و دو کشور جهان بیشتر است، در حالی که حداقل چیزی که در باره [فایده] استفاده از آن، در مواردی جز ستیزی احتمالی میان ایالات متحده و چین، می‌توان گفت آنست که نامعلوم می‌نماید. تمرکز هزینه‌های نظامی رو به افزایش دارد: در مقیاس جهانی، نیمی از بودجه ایالات متحده، و سه چهارم بودجه ده کشور بدان اختصاص یافته است.

نظارت و نگهبانی فضائی عمومی‌ت یافته، که در پیوند با سلاح‌هایی برخوردار از انرژی هدایت‌شونده و سفینه‌های بدون سرنشین، چشم‌انداز تازه‌ای را برای کشتن در فواصلی دورتر و با شتابی هرچه سریع‌تر و به بهائی هرچه گران‌تر می‌گشاید. گرچه غالباً از این فنون برنمی‌آید که چالش‌هایی را چاره‌کنند که شورش‌های مردمی برمی‌انگیزند، اما شمار کشتگان در میان مردمان غیر نظامی را هم کاهش نمی‌دهند که همچنان نخستین قربانیان جنگ‌ها هستند.

°نقش روی جلد این اطلس را در صفحه ۱۷ نشر فرانسوی این ماه مشاهده فرمائید.

پی‌نوشت‌ها

۱- در سال‌های دهه ۱۹۲۰، قبایل منطقه «ریف» در مراکش، به رهبری عبدالکریم با استعمارگران اسپانیولی و فرانسوی به مخالفت برخاستند.

۲- روز ۲۶ آوریل ۱۹۳۷، نیروی هوایی آلمان که در کنار کودتاچیان اسپانیولی [نیروهای فرانکو] قرار گرفته بود شهر گرنیکا در ایالت باسک را بمباران کرد. این بمباران صدها کشته برجای گذاشت. این جنایت را تابلویی از پیکاسو جاویدان کرده است.

۳- مقاله فرانسیس ژاندرو، «در ویتنام "ماده نارنجی رنگ" همچنان کشتار می کند» را در شماره ماه ژانویه ۲۰۰۶ لوموند دیپلوماتیک مطالعه فرمائید.

۴- مقاله لوران چگولا و ادوارد فلیملین، «Drone»، مرگی که از آسمان نازل میشود» را در شماره ماه دسامبر ۲۰۰۹ لوموند دیپلوماتیک مطالعه فرمائید.